

Exploring the Cultural Principles and Concepts Applicable to Urban Design of Historical Neighborhoods, Case Study: Bojnourd's Historical Area

Asghar Molaei*¹, Maryam Mohammadzade²

1. Assistant Professor, Department of Urbanism, Faculty of Architecture and Urbanism, Islamic Art University of Tabriz, Tabriz, Iran
2. Master, Department of Urbanism, Faculty of Architecture and Urbanism, Islamic Art University of Tabriz, Tabriz, Iran


Article Info

Original Article

Received: 2020/02/17;

Accepted: 2020/06/06;

Published Online 2020/08/31

 10.30699/athar.40.2.19

Use your device to scan
and read the article online



Corresponding Author

Asghar Molaei

Assistant Professor, Department of Urbanism, Faculty of Architecture and Urbanism, Islamic Art University of Tabriz, Tabriz, Iran

Email:

Molaei.2488@gmail.com

ABSTRACT

As the basis for the formation of settlements, culture has long been directly and indirectly affecting various dimensions of the city. Each building and each space in its specific situation and time is the narrator of the specific culture of the people of its region. The main purpose of designing spaces in the city is to create places that are in harmony with the needs, behavior, expectations and quality needs of their users, and this will be achieved only when is based on recognizing the characteristics of the users, (their culture) so it would be able to meet their needs. Also, considering that behavior and environment cannot be separated from each other and behavior is formed in the context of the environment, therefore, it is not possible to do a successful design without considering how humans and the environment interact. Therefore, in this research, we will first identify the various concepts and dimensions of culture, then by discovering these ideas, we will explain the cultural principles affecting urban design in physical and spatial dimensions. Finally, by exploring the concepts obtained in the case study, we introduce its examples. The method of the present research is based on an applied purpose and in terms of its nature is descriptive-analytical. The data required for the research were collected through library study and field survey. The purpose of this study is to find cultural principles and ideas that can be used in urban design of neighborhoods. The research results introduce the cultural principles affecting the body and space in the design of the neighborhood. Among the most important cases of these principles can be: considering the cultural pattern in functional interventions and uses, considering local traditions and events in the design of neighborhood urban spaces, paying attention to local colors, patterns and designs in the region Landscaping and etc.

Keywords: Culture, Bojnourd, Cultural ideas, Urban design, Historical area

Copyright © 2019. This open-access journal is published under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the Attribution-NonCommercial terms.

How to Cite This Article:

Molaei A, Mohammadzade M. Exploring the Cultural Principles and Concepts Applicable to Urban Design of Historical Neighborhoods, Case Study: Bojnourd's Historical Area. Athar. 2019; 40 (2): 19-42

مقاله پژوهشی

کاربست انگاره‌های فرهنگی در بازطراحی بافت‌های تاریخی، نمونه موردی: بافت تاریخی بجنورد

اصغر مولایی^{۱*}، مریم محمدزاده^۲

۱. استادیار، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران
۲. کارشناسی ارشد، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران

اطلاعات مقاله	خلاصه
دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۲۸ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۱۷ انتشار آنلاین: ۱۳۹۹/۰۶/۱۰	فرهنگ به‌عنوان اساس شکل‌دهی به سکونتگاه‌ها از دیرباز به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر ابعاد مختلف شهر تأثیرگذار بوده و هست. به‌طوری‌که هر بنا و هر فضایی در موقعیت خاص و زمان خاص خود راوی فرهنگ خاص مردم منطقه خود است. هدف اصلی از طراحی فضاها در شهر، خلق مکان‌هایی است که در هماهنگی با احتیاجات، رفتار، توقعات و نیازهای کیفی استفاده‌کنندگان از فضا باشد و این موضوع تنها زمانی محقق خواهد شد که بر مبنای شناخت خصوصیات بهره‌بران یعنی "فرهنگ" آنان باشد تا بتواند به خواسته‌های آنان پاسخ دهد و نیز با توجه به‌اینکه نمی‌توان رفتار و محیط را از یکدیگر جدا دانست و رفتار در بستر محیط شکل می‌گیرد، در نتیجه نمی‌توان بدون توجه به چگونگی تعامل انسان و محیط، طراحی موفق انجام داد. لذا در این پژوهش ابتدا به شناخت مفاهیم و ابعاد گوناگون فرهنگ می‌پردازیم سپس با کشف انگاره‌های آن، اصول فرهنگی تأثیرگذار بر طراحی شهری در بعد کالبدی و فضایی را تبیین خواهیم نمود. در نهایت با کاوش مفاهیم به‌دست‌آمده در نمونه موردی پژوهش، مصادیق آن را معرفی می‌نماییم. روش پژوهش حاضر براساس هدف کاربردی هست و به‌لحاظ ماهیت آن توصیفی-تحلیلی است. داده‌های موردنیاز پژوهش به‌روش مطالعه کتابخانه‌ای و برداشت میدانی جمع‌آوری شده است. هدف از این پژوهش یافتن اصول و انگاره‌های فرهنگی قابل‌استفاده در طراحی شهری محله‌ها است. نتایج پژوهش اصول فرهنگی تأثیرگذار بر کالبد و فضا در طراحی محله را معرفی می‌نماید. از جمله مهم‌ترین موارد این اصول می‌توان، توجه به الگوی فرهنگی در مداخلات عملکردی و کاربری‌ها، در نظر گرفتن سنت‌ها و رویدادهای بومی در طراحی فضاهای شهری محله، توجه به رنگ‌ها، نقوش و طرح‌های بومی منطقه در منظرسازی و ... اشاره نمود.
نویسنده مسئول: اصغر مولایی استادیار، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران	
پست الکترونیک: Molaei.2488@gmail.com	

کلیدواژه‌ها: فرهنگ، بجنورد، انگاره‌های فرهنگی، طراحی شهری، بافت تاریخی

حق کپی رایب انتشار: این نشریه ی دارای دسترسی باز، تحت قوانین گواهینامه بین‌المللی Creative Commons Attribution 4.0 International License منتشر می‌شود که اجازه اشتراک (تکثیر و بازآرایی محتوا به هر شکل) و انطباق (باز ترکیب، تغییر شکل و بازسازی بر اساس محتوا) را می‌دهد.

مقدمه

خاص هر منطقه، و چه به‌لحاظ نحوه به‌کار بستن آن در ابعاد کالبدی به‌طور منحصربه‌فرد و کارا برای چنین مراکز قدیمی و تاریخی است.

همچنین یکی از پیامدهای پیشرفت فناوری در ساخت‌وساز، یکسان و یکنواخت شدن معماری در نقاط مختلف کشور است. درحالی‌که پیش‌ازاین شکل ساختمان‌ها، بافت محله‌ها و ساختار شهر گویای ویژگی‌های فرهنگی و ذوق‌های بومی ساکنان آن‌ها بود، زیرا سیستم فناوری طوری تعریف شده است که در برابر خصیصه‌های فرهنگی و محلی حساسیت چندانی نداشته باشد (Jaferi & Mahdavi Pour, 2013, P. 52).

همچنین جوهره ویژه محله‌های قدیمی، اهمیت دادن به آن‌ها را از جنبه‌های گوناگون ناگزیر می‌سازد، از جنبه

بافت‌های تاریخی به‌عنوان میراثی ارزشمند و معرف هویت شهر، امروزه با مسائل متعددی مواجه هستند. از طرفی آسیب‌شناسی وضع موجود بافت قدیمی شهرها از دیدگاه فرهنگی اجتماعی نشان می‌دهد که دلیل فرسودگی تنها به ساختار کالبدی آن‌ها محدود نمی‌شود (Naderian, 2016, P. 87). بی‌توجهی به‌زمینه فرهنگی، تاریخی در مداخلات معاصر و ساخت‌وسازهای اخیر یکی از مهم‌ترین مسائل پیشروی این بافت‌هاست که هویت یک شهر و اجتماع را تهدید می‌نماید.

لذا کشف اصولی برای طراحی و برنامه‌ریزی این‌گونه محله‌های با هویت و ارزشمند در پیوند با فرهنگ خاص بومی آن منطقه، تا حدود زیادی مغفول مانده است و نیازمند مطالعات بیشتری چه به‌لحاظ شناخت ویژگی‌های فرهنگی

هر فرهنگی، ناشی از این تجارب، با یکدیگر متفاوت است. شهرسازی و معماری با چنین تفاوت‌هایی نمودی است از انتخاب همین تجارب حسی متفاوت (KhakPour & Sheikh Mehdi, 2011). مردم به کمک فرهنگ یعنی مجموعه ارزش‌ها، باورها، جهان‌بینی و نظام‌های نمادی مشترک به محیط خود معنی می‌دهند و فضای خالی را به مکان تبدیل می‌کنند (Rapoport, 1977, P. 6). اساس نظریه مکان درک خصوصیات انسانی و فرهنگی فضای کالبدی است. وقتی فضا محتوای فرهنگی می‌یابد مکان نامیده می‌شود (Feyzi & EsmailDokht, 2015, P. 190). در نتیجه هر بنا و هر فضایی در موقعیت خاص و زمان خاص خود راوی فرهنگ خاص مردم منطقه خود است.

زمینه گریبان اجتماعی-فرهنگی معتقدند که فرهنگ مجموعه قواعدی را می‌آفریند که شکل ساخته شده بازتابی از آن است (Feyzi & EsmailDokht, 2015, P. 190).

همچنین می‌دانیم تنها هدف طراحی شهری، ارتقاء کیفیات زیبایی‌شناسانه‌ی آن نیست بلکه متخصصین این حوزه با شناسایی مسئله و ارائه راه‌حل، سعی دارند علاوه بر پاسخ‌دهی به نیازهای کیفی و کمی کاربران، محیطی زیبا را نیز برای آنان فراهم آورند، در نتیجه هدف اصلی از طراحی فضاها در شهر، خلق مکان‌هایی است که در هماهنگی با احتیاجات، رفتار، توقعات و نیازهای کیفی استفاده‌کنندگان از فضا باشد، و این موضوع تنها زمانی محقق خواهد شد که برمبنای شناخت خصوصیات بهره‌بران یعنی "فرهنگ" آنان باشد تا بتواند به خواسته‌های آنان پاسخ دهد، و نیز با توجه به اینکه نمی‌توان رفتار و محیط را از یکدیگر جدا دانست و رفتار در بستر محیط شکل می‌گیرد، در نتیجه نمی‌توان بدون توجه به چگونگی تعامل انسان و محیط طراحی موفق انجام داد.

فرهنگ و نمودهای آن، همیشه مانند جزئی جدایی‌ناپذیر از شهر به حساب آمده و هر شهری با فرهنگ خاص خود، شناسایی می‌شده است (Naderian, 2016, P. 88). شهرها خود نیز مصنوعات فرهنگی هستند (Habib, 2009, P. 92). از این رو فرهنگ واجد ارزش است و در شکل‌گیری فضا و مکان بسیار تأثیرگذار خواهد بود.

Poordeihimi (2011, P. 3) فرهنگ را مفهومی نظری می‌داند، و اذعان دارد که متخصصین همیشه به مهم بودن فرهنگ در محیط‌های انسان‌ساخت اشاره دارند، اما هرگز در رابطه با چیستی فرهنگ یا نحوه اثرگذاری آن بر محیط‌های مصنوع به وضوح صحبت نکرده‌اند، چراکه طبیعت مفهوم

اقتصادی، چراکه برترین موقعیت برای سکونت مردم است، از جنبه فرهنگی چراکه مبدأ شهر کنونی و تجلی‌گاه هویت شهر معاصر است، از جنبه اجتماعی، زیرا می‌تواند محل اجتماع و گردهمایی‌های اجتماعی باشد و از جنبه کالبدی چراکه همچنان ارزش‌های زیادی از شهرسازی و معماری کهن را حفظ کرده است (Zaali, et al., 2016, P. 40).

متأسفانه امروزه آنچه مورد توجه برنامه‌ریزان و طراحان پروژه‌های محدوده‌های مرکزی شهرها قرار دارد، صرفاً ابعاد کالبدی موضوع برمبنای تفکر غربی و مدرنیستی هست و ابعاد انسانی، فرهنگی و اجتماعی و همچنین الگوی زندگی ایرانی-اسلامی در آن مغفول مانده است، و این امر خسارات جبران‌ناپذیری برپیکره هویتی و فرهنگی شهرها با پیشینه‌های ارزشمند ایجاد می‌نماید و باعث نوعی انقطاع تاریخی در مراکز شهرها می‌گردد. بنابراین باید رویکردی در ارتباط با این بافت‌ها اتخاذ کرد که علاوه بر ویژگی‌های کالبدی به ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیبایی‌شناختی و ... نیز توجه ویژه‌ای داشته باشد.

در نتیجه ضروری است که در هرگونه اقدام مرمتی به ابعاد گوناگونی از جمله فرهنگی، اجتماعی و هویتی بافت‌های قدیمی اندیشید و ارتباطی مناسب بین این ابعاد و ابعاد کالبدی فضایی شهر برقرار کرد تا بتوان به هدف غایی ارتقاء کیفیت زندگی شهری معاصر دست‌یافت تا فضای شهری مناسب برای تعاملات اجتماعی مردم تولید شود (Naderian, 2016, P. 87). محله مورد مطالعه ما در این پژوهش نیز به سبب بی‌توجهی مدیریت شهری، دچار این نوع تنزل کیفیت گشته و مالکان و ساکنین قدیمی خود را از دست داده و مقصد مهاجران و اجاره‌نشینان کم‌درآمد شده است، و نیز ساخت‌وسازهای درشت مقیاس در این بافت تاریخی، هویت فرهنگی و اجتماعی محله را تضعیف نموده و کیفیت‌های محیطی را دچار رکود کرده است. از این رو پرداختن به این موضوع ضروری می‌نماید.

فرهنگ به‌عنوان زیربنای ساخت جامعه و طراحی شهری به‌عنوان علم و هنر تولید فضا برای انسان‌ها همواره در کانون توجه علوم مختلف بوده‌اند، از آنجایی که شناخت انسان به رفتارهای او در اجتماعی که در آن رشد کرده بستگی دارد، لذا فرهنگ به‌عنوان تبیین‌کننده رفتار انسان در هر جامعه‌ای، نقش اساسی در این زمینه ایفا می‌نماید (Pourjafar, Rafiean, ArbabZadegan, 2016, P. 181). در فرهنگ‌های مختلف، تجارب حسی مختلفی وجود دارد و ساختن کالبد در

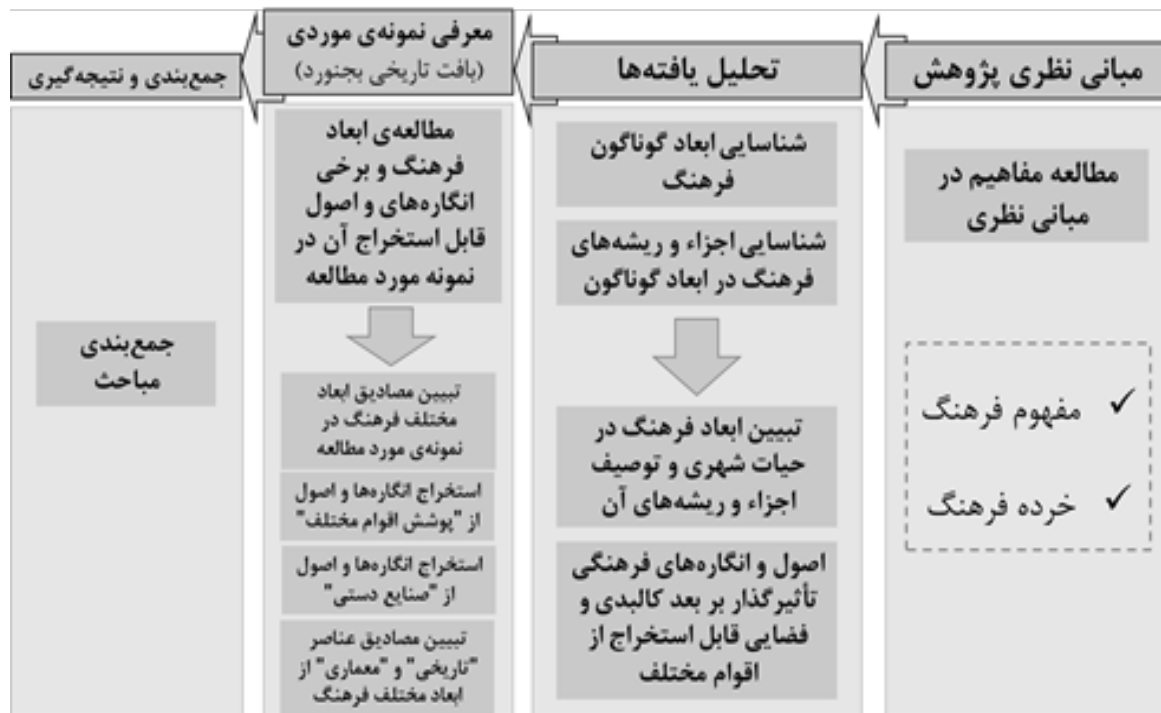
جهان‌بینی جدید، شکل گرفت (Mortezaie, 2007, P. 130). در این راستا این پژوهش را باهدف یافتن اصول و انگاره‌های فرهنگی قابل‌استفاده در طراحی شهری محله‌ها انجام دادیم و به‌عنوان نمونه، ویژگی‌های فرهنگی ساکنین محله پای-توپ بجنورد را مورد مطالعه قرار دادیم.

روش تحقیق

روش پژوهش حاضر براساس هدف کاربردی هست و به‌لحاظ ماهیت آن توصیفی-تحلیلی است. داده‌های موردنیاز پژوهش به‌روش مطالعه کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده و در بخش نمونه موردی، علاوه بر روش کتابخانه‌ای، از روش برداشت میدانی نیز استفاده شده است. در این پژوهش ابتدا به‌مطالعه فرهنگ و شناختن ابعاد گوناگون آن پرداختیم، سپس با تجزیه و تحلیل ابعاد گوناگون فرهنگ و کاوش نمودن در مفاهیم، انگاره‌ها و اصول فرهنگی تأثیرگذار بر بعد کالبدی و فضایی طراحی بافت محله را تبیین کردیم و با مطالعه مصادیق ابعاد گوناگون فرهنگ در نمونه مورد مطالعه، انگاره‌ها و اصول مؤثر بر ابعاد کالبدی و فضایی را به‌عنوان نمونه در دو زمینه فرهنگی تبیین نمودیم. همچنین دو بعد از ابعاد فرهنگ را در نمونه موردی پژوهش مورد کاوش قرار دادیم. شکل ۱، فرآیند انجام پژوهش را نشان می‌دهد:

فرهنگ کاملاً آشکار نگردیده و مورد کنکاش قرار نگرفته است. اگر جوانب گوناگون فرهنگ آشکار گردد، می‌تواند به‌عنوان یک ابزار در طراحی محیطی به‌شکل قابل‌درک و قابل قبولی مورد استفاده قرار گیرد.

در تاریخ شهرسازی ایران، شهر به‌عنوان تجلی‌گاه کالبدی نیازهای انسانی و عرصه همایش نیروهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و اقلیمی، تا قرن‌ها به تبعیت از تحولات بطنی زندگی انسانی و ایستایی و سکون نسبی در همه شئون زندگی اجتماعی، این فرصت طولانی را در اختیار داشت که با تنش‌ها و ناملایمات و تعارض‌ها روبرو شده و راه‌های سازگاری، تطابق و تفوق بر آن‌ها را بیابد و به‌این ترتیب یکپارچگی بی‌نظیری را علی‌رغم تفاوت‌های بارز عناصر شهری به‌رخ بکشد. شهر ایرانی در مسیر این تکامل و تعامل تدریجی، ضمن وفاداری به برخی شاخصه‌های خود، حقیقت بینش اسلامی را در خود متجلی ساخت. تجلی‌ای که می‌توان آن را نشانه‌هایی از مفهوم تداوم تاریخی دانست. مفهومی که فضا را از یک معنای مادی به یک مفهوم غیرمادی و هویتی تبدیل می‌نماید. ظهور اسلام در ایران، منجر به رسوخ ارزش‌های جدیدی در فرهنگ ایران گردید. پیشینه فرهنگی غنی و خصلت‌های ویژه ایرانیان، نقطه اوج هنر اسلامی را نصیب ایشان نمود. فرآیند جذب فرهنگی در معماری و شهرسازی رخ نمایند و شهر ایرانی پس از ظهور اسلام، در استحاله ناشی از پذیرش



شکل ۱. دیگرام فرآیند انجام پژوهش (نگارندگان)

مبانی نظری

مفهوم فرهنگ

حضور فرهنگ به عنوان عاملی که از یک سو ریشه در تاریخ دارد، و از سوی دیگر با آرزوها، خواسته‌ها و باورهای انسان‌ها درهم آمیخته و نوعی ویژگی منحصربه‌فرد را برای هر اجتماع انسانی شکل می‌دهد، بُعدی ازلی دارد (Lotfi, 2010, P. 48).

اصطلاح فرهنگ به مفهوم وسیع می‌تواند برای تبیین تمام جنبه‌های خاص شکلی از یک زندگی به کار رود، یا دقیق‌تر بر نظام ارزش‌هایی دلالت کند که در این شکل زندگی نهفته‌اند (Tavassoli, 2000, P. 35). واژه فرهنگ به‌شيوه متمایز زندگی، ارزش‌ها و معانی مشترک رایج در دوره‌های مختلف تاریخی و گروه‌های مختلف ملت‌ها، طبقات اجتماعی، خرده‌فرهنگ‌ها اشاره دارد. به‌طور کلی فرهنگ مجموعه‌ای از کنش‌هایی است که به واسطه آن‌ها معانی در قالب یک گروه تولید و مبادله می‌شوند (Bocock, 2007, PP. 40-41) همچنین Rapoport (1977) مجموعه ارزش‌ها و هنجارها را «فرهنگ» خوانده که در قالب اعتقادات، هنر، اخلاق، قانون، آداب و رسوم و سمبل‌های مشترک ظاهر می‌گردد.

Edward Burnett Tylor فرهنگ را مجموعه پیچیده‌ای از دانش‌ها، هنرها، باورها، قوانین، اخلاقیات، عادات و هرآن چه که فرد به عنوان عضوی از جامعه، از جامعه خویش فرامی‌گیرد تعریف می‌کند (Tylor, 1924, P. 1). همچنین ماتیو آرنولد^۱ و جان راسکین^۲ واژه فرهنگ را در اشاره به آن آثار متعالی هنری به کار می‌برند که برای مخاطبان نشان آموزنده، سازنده و اصلاحگر باشند و باعث پیشرفت اشخاص شوند (Alexander, 1973, P. 201). Philip Daniel Smith در کتاب خود نقل می‌کند که کروبر^۳ و کلاک هون^۴ در مطالعه معانی فرهنگ، شش درک اصلی از فرهنگ را مشخص می‌کنند:

۱. تعاریف توصیفی: فرهنگ به عنوان یک کلیت در نظر گرفته می‌شود که کل زندگی اجتماعی را می‌سازد.
 ۲. تعاریف تاریخی: فرهنگ میراثی در نظر گرفته می‌شود که در طول تاریخ توسط نسل‌ها انتقال یافته است.
 ۳. تعاریف هنجاری: این تعاریف به‌شيوه‌های زندگی اجتماعی و قواعد می‌پردازند.
 ۴. تعاریف روان‌شناختی: این تعاریف بر نقش فرهنگ به عنوان حلال مشکلات تأکید می‌کنند.
 ۵. تعاریف ساختاری: این تعاریف به روابط متداخل و سازمان یافته و جنبه‌های تفکیک‌پذیر فرهنگ اشاره دارند.
 ۶. تعاریف ژنتیکی: فرهنگ را با توجه به اینکه چگونه به دست آمده یا چگونه به حیات ادامه می‌دهد می‌پردازند (Smith, 1964, PP. 15-16).
- Montgomery (1990) در پرداختن به استفاده از فرهنگ در سیاست‌های شهری و برنامه‌ریزی شهری، فرهنگ^۵ را یکی از دشوارترین کلمات در انگلیسی دانسته و آن را به عنوان موجودیتی پیچیده، یک فرآیند و نیز یک محصول، یک روش زندگی، یک حالت از تولید و نیز یک حالت مصرف بیان می‌دارد. وی در پرداختن به بحث فرهنگ، اشاره‌ای به تعریف ویلیامز می‌کند: "یک شیوه خاص از زندگی که معانی و ارزش‌های مشخصی را نه تنها در هنر و یادگیری، بلکه در رفتار عادی و نهادی بیان می‌دارد." وی بر این عقیده است که تعریف ویلیامز از فرهنگ شامل طیف گسترده‌ای می‌شود، از جمله شیوه‌ای که مردم غذا می‌خورند، صحبت می‌کنند، با دیگران ملاقات می‌کنند، سرکار می‌روند، اوقات فراغت خود را می‌گذرانند و تعطیلات خود را برنامه‌ریزی می‌کنند.
- Ashouri (1978) در بیان مفهوم فرهنگ به تعاریف ارائه شده از صاحب‌نظران مختلف در این زمینه در دوره‌های زمانی متفاوت اشاره می‌کند (جدول ۱):

جدول ۱. تعاریف‌های تشریحی فرهنگ (نگارنده برگرفته از Ashouri 1978)

صاحب نظر	مفاهیم	نکات کلیدی
تیلور (۱۸۷۱م)	کلیت درهم‌تافتگی شامل دانش، دین، هنر، قانون، اخلاقیات، آداب و رسوم و هرگونه توانایی و عاداتی که آدمی همچون عضوی از جامعه به دست آمده می‌آورد.	کلیتی یگانه از ابعاد اجتماعی

⁴ Clock Hun

⁵ Culture

¹ Matthew Arnold

² John Ruskin

³ Kroeber

صاحب‌نظر	مفاهیم	نکات کلیدی
ویلسر ۱۹۲۰	تمامی کردوکاره اجتماعی به گسترده‌ترین معنای آن، مانند زبان، زناشویی، نظام مالکیت، ادب و آداب، صناعات، هنر و جز آن.	شامل تمامی کر دوکاره‌ای اجتماعی
دیکسون ۱۹۲۸	الف) مجموعه تمامی کردوکارها، رسوم و باورها. ب) مجموعه فرآورده‌ها و کردوکارها، نظام دینی و اجتماعی، رسوم و باورهای یک قوم ... که بنا بر عادت، آن‌ها را «تمدن» می‌نامیم.	مجموعه فرآورده‌ها و کردوکارها تحت عنوان تمدن
بندیکت ۱۹۲۹	کلیت هم‌تافت‌های از تمامی عاداتی که آدمی همچون عضوی از جامعه فرا گرفته است.	کلیتی هم‌تافته از عادات
بوس ۱۹۳۰	دربرگیرنده تمامی نمودهای عادات اجتماعی در یک واحد اجتماعی و نیز واکنش‌های فرد، تحت تأثیر گروهی که در آن می‌زید، و فرآورده‌های کردوکار انسانی است که آن عادات تعیین‌کننده چگونگی آن‌اند.	شامل نمودهای عادات، واکنش‌ها، فرآورده‌های کردوکار
هیلر ۱۹۳۳	باورها، نظام‌های فکری، فنون علمی، راه و رسم‌های زندگی، رسوم، سنت‌ها و تمامی شیوه‌های کردار که جامعه بدان سازمان می‌بخشد، فرهنگ شامل تمامی کردوکارهایی است که در اجتماع (از روابط) میان افراد شکل می‌گیرد و یا از یک گروه اجتماعی آموخته می‌شود، ولی صورت‌های خاصی از رفتار را که سرشت ارثی از پیش تعیین کرده است شامل نمی‌شود.	نظام‌های فکری و شیوه‌های کردار تحت سازمان جامعه، منهای رفتارهای حاصل از سرشت ارثی
لینتون ۱۹۳۶	کل تصورات، پاسخ‌های عاطفی شرطی و الگوهای عادی رفتار که اعضای جامعه از راه آموزش کسب کرده‌اند و کمابیش در آن مشترک‌اند.	تصورات، پاسخ‌های عاطفی و الگوهای رفتاری آموخته‌شده از جامعه و مشترک
لووی ۱۹۳۷	مجموعه چیزهایی که فرد از جامعه خود کسب می‌کند یعنی، باورها، رسوم، سنجه‌های هنری، عادات خوردوخوراک و پیشه‌هایی که نه از راه کردوکار خود بنیاد او، بلکه به‌صورت میراثی از گذشته، از راه آموزش و پرورش رسمی و غیررسمی، به او رسیده است.	اکتسابی از جامعه، کردوکار میراثی
پانونسیو ۱۹۳۹	کلیت هم‌تافت‌های از نظام مفاهیم و کاربردها، سازمان‌ها، مهارت‌ها و وسایلی که بشر بدان‌ها با طبیعت جسمانی، زیستانی و بشری برای برآوردن نیازهای خود روبرو می‌شود.	کلیتی برای رفع نیازها
مالینوسکی ۱۹۴۴	کلیت یکپارچه‌ای مرکب از وسایل و کالاهای مصرفی، خصوصیات اساسی گروه‌های اجتماعی گوناگون، تصورات و پیشه‌ها و باورها و رسوم بشری.	کلیتی یکپارچه از وسایل، خصوصیات و تفکرات
کلاکن و کلی ۱۹۴۶	گنجینه انباشته‌ای از آفرینندگی بشر: کتاب‌ها، نقاشی‌ها، بناها و مانند آن، و نیز دانش هماهنگ کردن خود با محیط، چه انسانی چه طبیعی، زبان، رسوم و نظام آداب، فضایل اخلاقی، دین و احکام شایست و ناشایست که باگذشت روزگاران پدید آمده است.	گنجینه انباشته‌ای از آفرینندگی بشر
بیدنی ۱۹۴۷	اشارت دارد به‌صورت‌های آموخته فنون، رفتار، احساس و اندیشه افراد در جامعه و نهادهای اجتماعی که برای رسیدن به‌هدف‌های مشترک همکاری می‌کنند.	صورت‌های آموخته‌شده توسط افراد باهدف مشترک
کروبر ۱۹۴۸	انبوه واکنش‌های آموخته و آموزنده شده عضلانی، لونیز [عادات، فنون، اندیشه‌ها، و ارزش‌ها و رفتار ناشی از آن‌ها تشکیل‌دهنده فرهنگ است. فرهنگ فرآورده اختصاصی و انحصاری انسان‌هاست و کیفیت ممتاز کننده آن‌ها (از دیگر موجودات)	شامل واکنش‌های آموخته‌شده. منحصر به انسان.

صاحب نظر	مفاهیم	نکات کلیدی
هرسکوویتس ۱۹۴۸	اشاره دارد به آن بخش از دستگاه کلی زندگانی بشری شامل اشیاء مادی ساخته دست بشر، فنون، جهت گیری های اجتماعی، دیدگاه ها و هدف های تعیین شده است که عوامل بی واسطه تعیین کننده رفتار هستند. بنایی است مبین تمامی باورها، رفتارها، دانش ها، ارزش ها و مقاصدی که شیوه زندگی هر ملت را مشخص می کند... و سرانجام عبارت است از هر آن چه یک ملت دارد، از آنچه می کند و هر آنچه می اندیشد.	عوامل بی واسطه تعیین کننده رفتار، شامل: دارایی، عمل و اندیشه یک ملت.

غیره، یک نوع خرده فرهنگ تلقی می شود. کشورهای توسعه یافته و شهرهای بزرگ مانند: تهران و تبریز و اصفهان و مشهد در بردارنده قشرها و گروه های شغلی معین با برخورد های اجتماعی متفاوتی است. پس خرده فرهنگ اصطلاحاً علم جامعه شناسی بهنجارها و ارزش های گوناگون با هنجارها و ارزش های گروه اکثریت در داخل جامعه ولی در ارتباط با آن گفته می شود. خرده فرهنگ ها، قابلیت تغییر و شناسایی دارند و بیشتر به ارزش های گروه اقلیت نسبت داده می شوند. به عبارت ساده تر، خرده فرهنگ، فرهنگی درون فرهنگ بزرگ تر و شامل عناصر فرهنگ کلی تر بوده و در فرهنگ کلی جامعه سهیم است. خرده فرهنگ در اغلب موارد، از طبقه اجتماعی تأثیر می پذیرد بر این اساس، هر طبقه اجتماعی، یک خرده فرهنگ به شمار می آید ولی هر خرده فرهنگی، لزوماً یک طبقه اجتماعی محسوب نمی شود. گرچه خرده فرهنگ ها در یک فرهنگ بزرگ تر جای می گیرند، ولی نسبت هماهنگی و ناهماهنگی آن ها با فرهنگ کلی جامعه یکسان نیست (Khosropanah, 2017).

یکی از اولین کسانی که خرده فرهنگ را تعریف نمود رابرت ر. بل بود. توصیف او از خرده فرهنگ این بود: از فرهنگ جزئی، نظام فرهنگی نسبتاً منسجمی را می توان فهمید که در بستر نظام کلی فرهنگ ملی، دنیای ویژه خود را دارد. اعضای چنین خرده فرهنگی از سایر افراد جامعه تا اندازه ای متمایز هستند (Scheffers, 2004, 191). این اصطلاح به طور بسیار کلی برای نشان دادن دسته ای از ارزش ها، گرایش ها، اعتقادات، سلیق، الگوهای رفتاری ای مورد استفاده قرار می گیرد که یک گروه را به نحو بسنده ای از جریان اصلی متمایز می سازد اما نه آن چنان مواجهه ای که باعث تشدید تضاد شود (Alikhah, 2013, P. 158).

Nusbaumer و Moulaert (2004) تأکید کرده اند، فرهنگ قادر است به طور مؤثر هم به عنوان یک پیونددهنده و هم به عنوان عامل شبکه بندی اجتماعی عمل کرده، نیازهای انسانی و اجتماعی مختلف را برآورده کند و کیفیت زندگی و رفاه را ارتقاء دهد (Nusbaumer, Moulaert, 2004, P. 833). به واقع نقش سرمایه گذاری فرهنگی در تعریف شبکه اجتماعی جدید در درون اجتماع را نمی توان نادیده گرفت. برای افزایش ذخیره سرمایه اجتماعی، لازم است که افراد فرصت های مشارکت اجتماعی و ارتباطی و نیز فعالیت های مبتنی بر کنش متقابل اجتماعی یا میانجی گری فرهنگ را دریابند تا سبب ساز تقویت پیوندهای اجتماعی شود. بنابراین می توان گفت که بعد همگرایی فعالیت های فرهنگی در ذخیره سرمایه اجتماعی مؤثر است. اگر سیاست ها و اقدامات فرهنگی طراحی شده اند تا به طریقی خاص، بعد ارتباطی را ارتقاء دهند، بنابراین از طریق دست کاری ماهرانه نظام های کنش متقابل، فرهنگ می تواند یک سهم مهم در انباشت نوع خاصی از سرمایه اجتماعی، مثل انواع هم پیوندی و اتصال اجتماعی، داشته باشد (Safdari, Pourjafar, Ranjbar, 2014, P. 29).

خرده فرهنگ

خرده فرهنگ، یکی از روش های شناسایی فرهنگ یک کشور هست. خرده فرهنگ های یک کشور اعم از فرهنگ های قومی، مذهبی و طبقه ای در جامعه شناسی از اهمیت خاصی برخوردار است فرهنگ های قومی، قبیله ای، گروه های زبانی، شغلی، مذهبی، طبقات و قشرهای موجود در یک کشور را که در بردارنده عقاید و باورها و ارزش ها و ایدئولوژی ها و گرایش های دینی و سیاسی و اخلاقی معینی است، خرده فرهنگ گویند. برای نمونه: فرهنگ لری به اعتبار ویژگی های گویشی، آداب و رسوم، شکل لباس، مراسم ازدواج و

⁶ Robert R. Bell

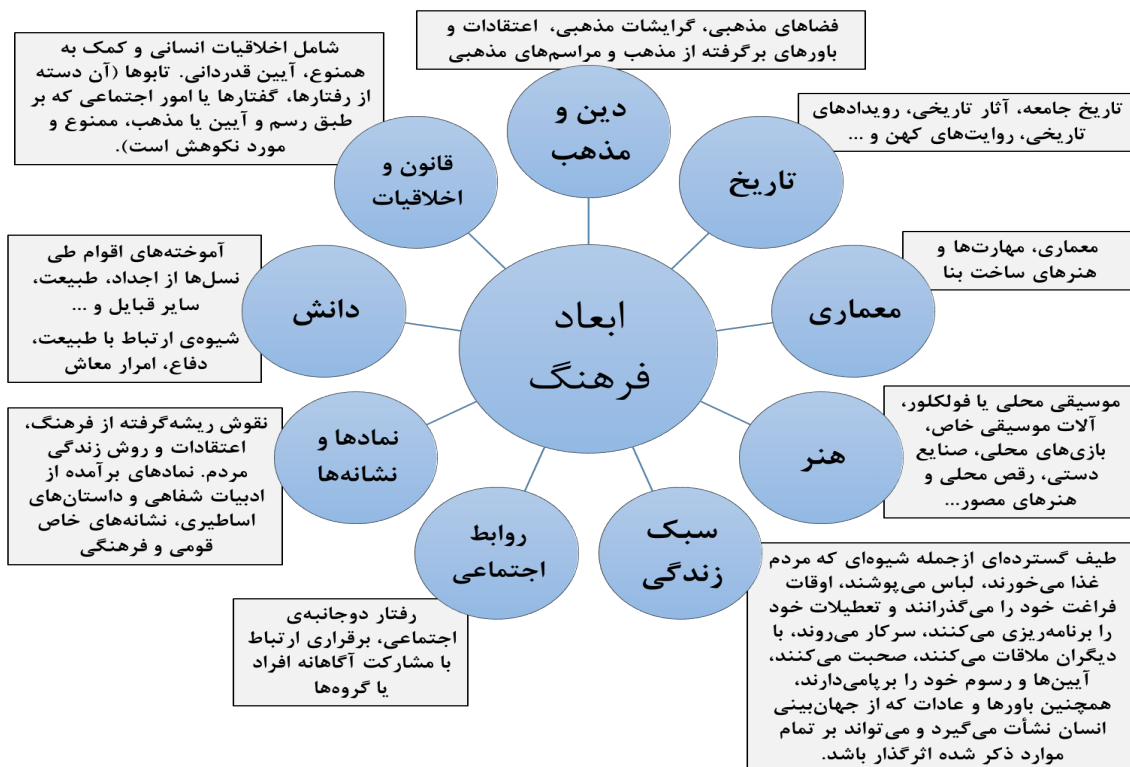
و غیررسمی، به او رسیده است و... را در برمی‌گیرد. همچنین با توجه به تعریف Raymond Williams از فرهنگ Montgomery تعریف وی را شامل طیف گسترده‌ای می‌داند، از جمله شیوه‌ای که مردم اوقات فراغت خود را می‌گذرانند و تعطیلات خود را برنامه‌ریزی می‌کنند، سرکار می‌روند، غذا می‌خورند، با دیگران ملاقات می‌کنند، صحبت می‌کنند. همچنین با توجه به این که برخی متخصصان به نقش میانجی‌گری فرهنگ در روابط اجتماعی اشاره دارند، می‌توان از آن به‌عنوان عاملی در تقویت روابط اجتماعی بهره برد. از طرفی طبق تعاریف ارائه شده برای خرده‌فرهنگ، فرهنگ‌های قومی، قبیله‌ای، گروه‌های زبانی، شغلی، مذهبی، طبقات و قشرهای موجود در یک کشور را که دربردارنده عقاید و باورها و ارزش‌ها و ایدئولوژی‌ها و گرایش‌های دینی و سیاسی و اخلاقی معینی است، خرده‌فرهنگ گویند. به‌عبارتی خرده‌فرهنگ، فرهنگی درون فرهنگ بزرگ‌تر است.

بحث

بدین ترتیب با کسب بینش کافی درزمینه‌ی مفهوم فرهنگ و شناسایی ابعاد گوناگون آن، هریک از اجزا و ریشه‌های فرهنگ را در ابعاد مختلف مطابق شکل ۲، شناسایی و توصیف نمودیم.

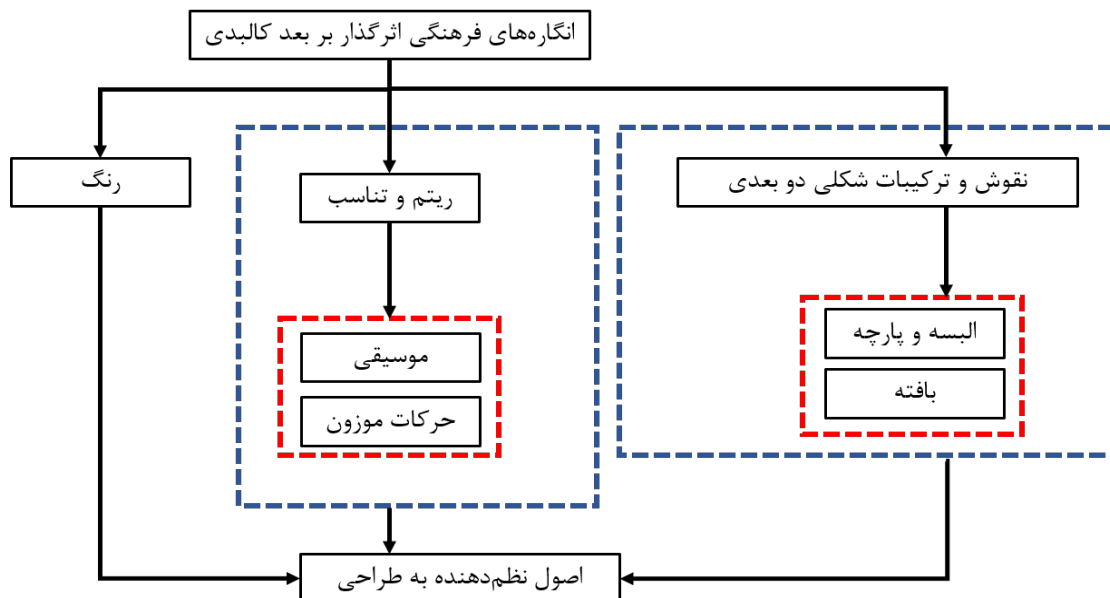
همچنین از نظر جامعه‌شناسی، می‌توان یک قوم را چنین تعریف کرد: افرادی که به‌دلیل میراث فرهنگی مشترکی که دارند به‌لحاظ اجتماعی مجزا و متفاوت محسوب می‌شوند. هیچ گروه قومی دارای خصوصیات فطری و ذاتی نیست، بلکه این خصوصیات را از راه جامعه‌پذیری در محیط خود کسب می‌کند. به‌طورکلی، هشت معیار را می‌توان به مثابه شاخص تشخیص گروه قومی نام برد که شامل این موارد: احساس تعلق به یک گروه واحد، ارزش‌های مشترک، آداب‌ورسوم مشترک، فضاهای زیست مشترک، زبان و مذهب مشترک، پیشینه تاریخی مشترک، نیاکان واقعی مشترک یا باور به‌نیاکان اسطوره‌ای. البته برای این که یک گروه قومی، خود را قومیتی مشخص و متمایز بداند، نیاز نیست همه شاخص‌های مذکور را داشته باشد (Karimi, 2008, PP. 18-20).

در تجمیع دیدگاه نظریه‌پردازان در باب فرهنگ می‌توان آن را یک کلیت پیچیده دانست که تمام ابعاد زندگی انسان از جمله سنت‌ها، رسوم، راه و رسم‌های زندگی، فنون علمی، نظام‌های فکری، باورها و همه شیوه‌های کردار، دانش، دین، هنر، قانون، اخلاقیات، آداب‌ورسوم، هرگونه توانایی، عادات خوردوخوراک و پیشه‌هایی که نه از راه کردوکار خود بنیاد او، بلکه به‌صورت میراثی از گذشته، از راه آموزش و پرورش رسمی



شکل ۲. ابعاد فرهنگ در حیات شهری و توصیف اجزاء و ریشه‌های آن (نگارندگان)

مؤلفه کالبد قرار می‌گیرد. این به آن معنی است که زمانی که مؤلفه کالبدی یک فضا با تأکید بر انگاره‌های فرهنگی و دارای سابقه باشد، ناخودآگاه مؤلفه معنا را درون خود دارد. اکنون هنگامی که روح عملکرد به آن وارد می‌شود، نتیجه تلفیق سه بعد را دارد. پس دلواپسی نخست طراح انگاره‌های فرهنگی مؤثر بر مؤلفه کالبدی است (Pourjafar, Rafiean, ArbabZadegan, 2016, PP. 183-184). در ادامه این بحث، Rafiean, Pourjafar, و ArbabZadegan (2016) انگاره‌های فرهنگی مؤثر بر مؤلفه کالبدی را مطالعه می‌کنند و انگاره‌های فرهنگی مؤثر بر مؤلفه کالبدی قابل شناسایی از اقوام گوناگون به‌منظور طراحی فضای شهری را در نموداری به‌صورت شکل ۳ معرفی می‌نمایند.



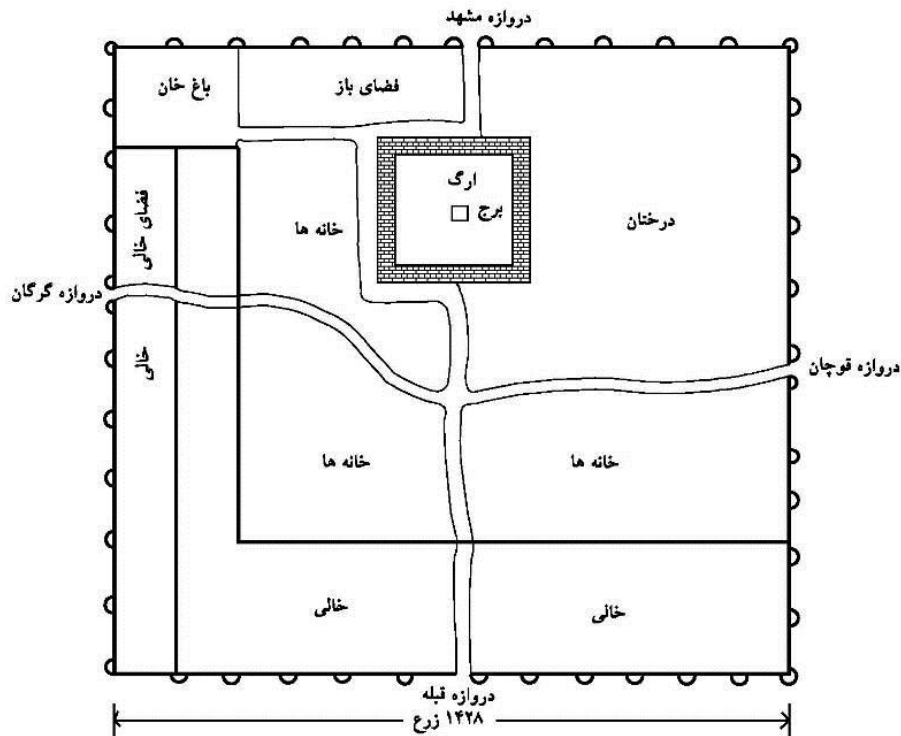
شکل ۳. انگاره‌های فرهنگی تأثیرگذار بر بعد کالبدی قابل استخراج از اقوام مختلف (Pourjafar, Rafiean, ArbabZadegan, 2016, P. 184)

مطالعه نمونه موردی

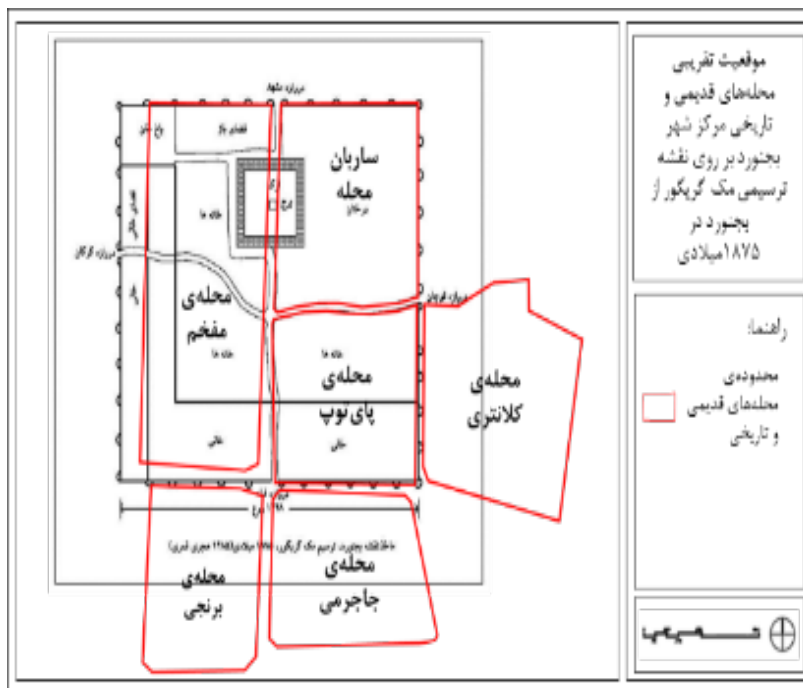
الف- بازشناسی حوزه فراگیر (شهر بجنورد): در شهر بجنورد، مرکز استان خراسان شمالی نیز با توجه به وجود اقوام مختلف از جمله: کرمانج، ترک، تات، ترکمن و سایر اقلیت‌های قومی همچون فارس‌های مهاجر، بلوچ‌ها و عرب‌ها تشکیل شده و وجود اقوام مختلف با آداب و رسوم و فرهنگ‌های متفاوت، امتزاج جالب‌توجهی را ایجاد کرده و در نتیجه این امتزاج آداب و رسوم گوناگونی از اقوام به یکدیگر راه پیدا کرده، به طوری که می‌توان فرهنگ خراسان شمالی را چشم‌اندازی نو از تکامل جهان‌بینی‌ها دانست. به تبع همین تنوع قومیتی و فرهنگی و ساختار ویژه‌ای که به پیوندهای فرهنگی-اجتماعی و کالبدی-فضایی می‌بخشد، نیازمند

به عقیده بیشتر اندیشمندان و پژوهشگران زمینه مطالعات فرهنگی، سرمایه فرهنگی حتی اگر مفهومی یگانه باشد، حتماً گواه یگانه‌ای در تمام جوامع ندارد و لازمه سرمایه بودن آن، این است که در هر جامعه‌ای در تناسب با ملزومات آن جامعه صورت گیرد (Navabakhsh, Sabeti, 2016, P. 38). به دنبال کشف سرنخ‌هایی برای طراحی شهری هماهنگ با فرهنگ هر قوم می‌توان از جوانب گوناگونی منش و فرهنگ هر قوم را مطالعه کرد. همان‌گونه که طراحی شهری دارای سه مؤلفه عملکردی، معنایی و کالبدی هست، می‌توان هر قوم را از این سه جنبه مطالعه نمود و طراحی شهری هم‌راستا با فرهنگ آن قوم خاص را به شکل جامع معرفی کرد. دو مؤلفه عملکرد و معنا بعد از

این پژوهش با شناخت مفهوم فرهنگ و ابعاد گوناگون آن، به دنبال یافتن سرنخ‌هایی برای کاربردی فرهنگ در طراحی شهری هرچه متناسب‌تر با بستر فرهنگی موجود است، که پس از مطالعه فرهنگ مردم می‌توان اصول و انگاره‌های خاص هر منطقه و شهر را استخراج نمود. چراکه سرمایه فرهنگی به مقتضای سرمایه بودن آن، مفهوم متمایزی در جوامع مختلف دارد، و از طرفی طراحی شهری صرفاً زیباسازی و ایجاد نموده‌های بصری از فرهنگ نیست و باید مرتفع‌کننده نیازها و بهبود دهنده مسائل و معضلات مردم نیز باشد. بدین ترتیب دیاگرام با توجه به مفاهیم و ابعاد فرهنگ و سبک زندگی، تدوین گردید (شکل ۴).



شکل ۶. نقشه ترسیمی مک گریگور از بجنورد در ۱۸۷۵ میلادی (Jahan Pars Consulting Engineers, 2010)



شکل ۷. موقعیت تقریبی محلله‌های قدیمی و تاریخی مرکز شهر بجنورد بر روی نقشه ترسیمی مک گریگور از بجنورد در ۱۸۷۵ میلادی (نگارندگان)

قومیت‌های متنوعی، در دوره‌های مختلف تاریخی و به دلایل گوناگون به شهر بجنورد مهاجرت کرده و در آن ساکن شده‌اند. با مطالعات میدانی و بررسی اسناد تاریخی، همچنین با رجوع به تجربه زیسته آبا و اجدادی، دریافتیم که شیوه سکونت این اقوام به صورت پراکنده در نقاط مختلف شهر و در تمام محله‌ها بوده است

ب- **بازشناسی محلله پای توپ:** با تطابق دادن نقشه ترسیمی مک گریگور و موقعیت کنونی خیابان‌ها و عناصر شاخص، می‌توان به موقعیت محلله پای توپ در نقطه استراتژیک شهر پی برد و پیشینه اسکان جمعیت در آن محله را مشاهده کرد. از طرفی با مطالعه ابعاد اجتماعی و فرهنگی منطقه، دریافتیم که

مطالعه‌ی هریک از این فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها، ویژگی‌ها، آمال، آرمان‌ها، نیازها، سلايق و ... آن‌ها را شناسایی نمود. اکنون با در دست داشتن مفاهیم فرهنگی و ابعاد گسترده فرهنگ، به جست‌وجوی مصادیق ابعاد فرهنگ در نمونه مورد مطالعه خود می‌پردازیم و به‌صورت جدول ۲ همراه با نمونه‌های تصویری طبقه‌بندی می‌نماییم.

و این روند تاکنون ادامه داشته و نسل‌های بعدی آنان نیز جایجایی چندانی بین محله‌ها نداشته‌اند. لذا با توجه به قدمت طولانی و سابقه سکونت محله پای‌توپ به‌عنوان یکی از اولین کانون‌های پذیرش جمعیت در شهر بجنورد، می‌توان گوناگونی، امتزاج و هم‌جواری قومیت‌ها و فرهنگ‌های مختلف را در این محله مشاهده کرد، و با

جدول ۲. مصادیق ابعاد مختلف فرهنگ در نمونه مورد مطالعه (نگارندگان)

مصادیق و نمونه‌های تصویری		ابعاد فرهنگی
<p>مسلمانان که اکثریت جامعه بجنورد را تشکیل می‌دهند و دارای مذهب شیعه و سنی‌اند. ترکمن‌های ساکن خراسان شمالی سنی هستند و ترک‌ها، تات‌ها، فارس‌ها و کرمانج‌ها شیعیان این شهر را تشکیل می‌دهند. همچنین اقلیت‌های مختلف یهودی، زرتشتی و مسیحی نیز در این استان وجود دارند. معماری بناهای مذهبی به‌ویژه مساجد و معابد و ... اعیاد قربان و سنت قربانی کردن، عزاداری‌های ماه‌های محرم و صفر و به حرکت درآمدن دسته‌های عزاداری در شهر، مراسم پخت و توزیع نذورات (حلیم)، مراسم علم‌گردانی در عاشورا و تاسوعا، شبیه‌خوانی در روز عاشورا</p>		مصادیق
 <p>ترکمن‌های خراسان شمالی (اهل تستن)</p>	 <p>مراسم پخت و توزیع حلیم در محرم</p>	دین و مذهب نمونه تصویری
 <p>شبیه‌خواهی در عاشورا</p>	 <p>مراسم علم‌گردانی در عاشورا</p>	
<p>در نزدیکی بجنورد سنگ‌نگاره‌هایی مربوط به هزاره پنجم پیش از میلاد و همچنین تپه‌های باستانی و بناهای تاریخی از دوره‌های بعد (مادها، هخامنشیان، سلوکیان، اشکانیان، ساسانیان، ده‌های نخست اسلامی، دوره اسلامی تا پیش از صفویان، صفویه، افشاریه و زندیه، قاجار و پهلوی) به یادگار مانده است. بناهای تاریخی به‌جای مانده مانند: آئینه‌خانه، عمارت مفخم، حسینیه جاجرمی، ساختمان قدیمی بانک ملی، حمام عسگری، کاروانسرای مفخم، کاروانسرای سبزه‌میدان، سبزه‌میدان، مسجد جامع و ... رویدادهای تاریخی: قیام لهاک خان در سال ۱۳۰۵، انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، روایت‌های کهن از دل‌آوری‌ها و قهرمانی‌ها.</p>		
 <p>عمارت مفخم</p>	 <p>عمارت آئینه‌خانه</p>	تاریخ نمونه تصویری
 <p>مقبره قیام لهاک‌خان</p>	 <p>حسینیه جاجرمی</p>	

مصادیق و نمونه‌های تصویری			ابعاد فرهنگی	
<p>خانه‌های حیاط دار، درون‌گرا، تزیینات خانه، آجر قزاقی، ورودی و درب خانه، کوبه زنانه و مردانه، پیر نشین، شیروانی، ایوان سرپوشیده، طاقچه‌های متعدد.</p>			معماری	
		مصادیق		
خانه بانک ملی	حسینیه جاجرمی			
<p>موسیقی کرمانج، موسیقی ترکمن، آلات موسیقی همچون دوتار، کمانچه، قوشمه، دهل، سرنا و دایره، کشتی آلیش، کشتی با چوخه، اسب دوانی ترکمن، صنایع دستی شامل: سفره کردی، جاجیم، فرش و پشتی ترکمن، چاروق</p>			هنر	
				مصادیق
رقص محلی کرمانج	گروه موسیقی محلی ترکمن	گروه موسیقی محلی کرمانج		نمونه تصویری
				
سفره کردی	کشتی با چوخه			
<p>گذراندن اوقات فراغت در پارک‌های بجنورد و گردشگاه‌های بش‌قارداش و بابامان و باغ‌های شخصی.</p>			سبک زندگی	
		مصادیق		
پوشش زنان ترکمن	غذای محلی بجنورد (آش یارمه)		نمونه تصویری	
<p>پاتوق‌های کسبه در سبزه‌میدان، تجمع و معاشرت مراجعین در سبزه‌میدان، مشارکت در فعالیت‌های مذهبی در حسینیه‌ها و مساجد محله.</p>			روابط اجتماعی	
		مصادیق		
پاتوق کسبه سبزه‌میدان	مراودات مردم در سبزه میدان		نمونه تصویری	

مصادیق و نمونه‌های تصویری			ابعاد فرهنگی
<p>رسوم مربوط به شب‌های چله و شب‌نشینی و حافظ خوانی. جشن چهارشنبه‌سوری و پریدن از روی آتش با زمزمه کردن اشعار خاص و نیز پختن غذای هفت‌رنگ. جشن سال نو، خانه‌تکانی قبل از عید، چیدن سفره هفت‌سین و دیدوبازدیدها. سفر به طبیعت در روز ۱۳ فروردین با طبخ غذاهای خاص گیاهی در آن روز، برگزاری کشتی با چوخه. برگزاری مراسم‌های خاص در روز عروسی مانند کشتی آلیش در عروسی ترکمن. رسوم طبخ حلیم نذری در ایام محرم.</p>			مصادیق
			آیین‌ها و رسوم
عروسی کرمانج	عروسی ترکمن		نمونه تصویری
<p>نقوش به کاررفته در دست‌یافته‌ها کرمانج و ترکمن که بیش‌تر الگوبرداری از اقلیم و محیط، طبیعت منطقه و نقوش حیوانی، هندسی و گیاهی و همچنین باورهای آنان هست. رنگ قرمز به‌عنوان نماد شادی.</p>			مصادیق
			نمادها و نشانه‌ها
<p>پژ (از جمله نقوش تجریدی در دست‌بافته‌های خراسان شمالی و از نقوش اصلی در بین بافندگان این ختّه و نمادی از خورشید است). (Kazempour & Soleimani, 2012)</p>	<p>چشم زخم (از نقش‌مایه‌های اصیل، نمادین و انتزاعی دیگر در این منطقه، به عنوان طلسمی برای دفع نظر بد) (Kazempour & Soleimani, 2012)</p>		
			
<p>رنگ قرمز لباس عروس کرمانج</p>	<p>علم (این نقش هم‌حالتی اعتقادی-فرهنگی داشته و هم‌از زیبایی خاصی برخوردار است که شباهتی کامل به علم‌هایی که در عزاداری امام حسین استفاده می‌شود دارد). (Kazempour & Soleimani, 2012)</p>		

مصادیق و نمونه‌های تصویری			ابعاد فرهنگی
قنات‌های بجنورد از جمله قنات صدرآباد، جهت‌گیری خانه‌ها برای استفاده از نور جنوب، سقف شیروانی، کشاورزی و باغداری، پرورش دام، فراگیری طب گیاهی، صنعت بافندگی و ...			مصادیق
			دانش
تولید نخ از پشم و بافندگی (روستای روئین، پایتخت نساجی سنتی ایران)	قنات صدرآباد		نمونه تصویری
کمک به هم‌نوع و مشارکت در امور خیر و عام‌المنفعه در جامعه بجنورد امری اخلاقی است و رواج دارد. قدردانی مردم از شهردار بجنورد و انتخاب ایشان به‌عنوان رتبه دوم شهردار برتر کشور. ترکمن‌های خراسان شمالی وصلت با غیر ترکمن را مجاز نمی‌دانند.			مصادیق
			قانون و اخلاقیات
مشارکت در تجهیز مساجد و حسینیه‌های محل	قدردانی مردم بجنورد از شهردار وقت		نمونه تصویری
باورهای پریدن از روی آتش همراه با زمزمه کردن اشعار خاص و همچنین شکستن ظرف چینی یا شیشه‌ای به‌منظور دور کردن سیاهی زمستان و نزدیک شدن برکت بهار. باور به بستن کمر عروس در شب عروسی به نشانه خیروبرکت. بردن طبق‌های هدیه، حنا، کله‌قند و شیرینی برای عروس. باور به آویزان کردن سنگ چشم‌زخم و ...			مصادیق
			باورها و عادات
حمل سینی‌های شیرینی و هدیه در عروسی	انجام مراسم‌هایی در آخرین روزهای سال (چهارشنبه سوری، خانه تکانی، سبزه عید، چیدن هفت‌سین و...)، (عکس قاشق‌زنی در شب چهارشنبه‌سوری)		نمونه تصویری

پوشش اقوام مختلف ساکن در محله پای‌توپ:

وجه تمایز این اقوام پوشش و لهجه هست. در جدول ۳ به شناخت و تحلیل ویژگی‌های پوشاک محلی در نمونه موردی پرداخته‌شده و برخی اصول مؤثر بر فرم در طراحی شهری را از آن‌ها استخراج گردیده است.

از جمله انگاره‌ها و اصولی که می‌توان از مفاهیم فرهنگی نظم‌دهنده به طراحی شهری در میان ساکنین محله پای‌توپ استخراج نمود به دو مورد « پوشش اقوام مختلف » و « صنایع دستی » اشاره می‌گردد:

جدول ۳. تحلیل پوشاک محلی اقوام مختلف ساکن در محله پای توپ (نگارندگان)

قومیت	نوع پوشش	نمونه	ویژگی‌ها و نقوش
کردهای خراسان شمالی (کرمانج)	مردان		رنگ‌های سفید، قرمز و مشکی، تقارن، توجه به تداوم، تکرار
	زنان		رنگ‌های قرمز، سفید، مشکی، سبز، آبی، تزئینات، توازن در عین عدم تقارن، تکرار، خطوط افقی
ترکمن‌های خراسان شمالی ^۷	مردان		رنگ‌های سفید، قرمز و مشکی، تقارن، توجه به تداوم
	زنان		رنگ‌های قرمز، سفید، مشکی، سبز، طلایی، توازن در عین عدم تقارن، تداوم، نقوش هندسی راست‌گوشه، محور تقارن عمودی زیورآلات، پویایی، مرکزگرایی

صنایع دستی

صنایع دستی قومیت‌های ساکن در محله که شامل ترک، کرمانج، ترکمن، تات و ... می‌شوند، از تنوع چشمگیری برخوردار است. به طبع این تنوع، گونه‌های مختلفی از صنایع دستی از قبیل بافت گلیم، پارچه، چادرشب، حوله، زیلو، سفره کردی، پلاس، قالی دورو، پاپوش‌های سنتی، ساخت سازهای سنتی، رنگرزی سنتی و دوخت لباس‌های محلی، نمدمالی، سفالگری، تذهیب، میناتور، منبت‌کاری، چلنگری، آهنگری، مسگری،

قلم‌زنی، جلدسازی سنتی، نقاشی روی چرم و پارچه، جوراب‌بافی و انواع سوزن‌دوزی و ... نیز رواج دارد. از دیرباز وجود مراتع سرسبز و بکر و رونق دامداری که نتیجه آن دسترسی به مواد اولیه فراوان و ارزان‌قیمت است، دستباف‌های متنوعی با طرح، رنگ و نقوش ذهنی برآمده از اعتقادات و باورهای بافندگان را سبب شده است.
در جدول ۴ برخی صنایع دستی جامعه محله و استخراج اصول مؤثر بر فرم در طراحی شهری معرفی گردیده است.

^۷ تا دهه ۱۹۷۰ پوشاک و زیورآلات ترکمن مفصل‌ترین جامعه عشیره‌ای ایران بود.

جدول ۴. معرفی برخی صنایع دستی نمونه مورد مطالعه و ویژگی‌های آن‌ها (نگارندگان)

دست بافته‌ها	معرفی و توضیح	نمونه	ویژگی‌ها و نقوش
گلیم	هفت هزار سال سابقه. طرح‌های به‌کاررفته متأثر از فرهنگ سنتی و محیط جغرافیایی طبیعی. بدون نقشه بافت و به‌صورت ذهنی. دارای تنوع بالا در طرح و نقش. در قالب‌های خورجین، پادری، پشته، رختخواب‌بند، کوله‌پشتی، کیف زنانه، جوراب، دستکش و بازوبند و...		نقش‌های هندسی و زاویه‌دار. تلفیق چهارضلعی‌ها و مثلث‌ها. رنگ‌های قرمز، سفید، مشکی، زرد و آبی نقش سماور، نقش قایخ
سفره کردی	از بافته‌های منحصربه‌فرد زنان کرد عشایر خراسان شمالی. حاوی نمادهای مذهبی و احساسی عشایر نسبت به طبیعت. نمادهای شکرگزاری و احترام به طبیعت. نقش‌ها بیشتر حیوان و انسان. در سال ۲۰۱۶ به ثبت جهانی رسید.		رنگ‌های سفید، آبی، قرمز، سبز و مشکی. نقوش هندسی به‌صورت تکرار شونده در حاشیه.
حاجیم	دست‌بافته‌ای ضخیم، راه‌راه و رنگین. به‌عنوان زیرانداز، پتو، روتختی، جل اسب و کف‌پوش منازل.		رنگ‌های قرمز، مشکی، آبی، زرد، قهوه‌ای. نقوش هندسی تکرار شونده.
پلاس (پلاس)	نوعی گلیم پشمی. به‌عنوان زیرانداز جهت محافظت از رطوبت، سرما و گرمای زمین و مفروش نمودن کف چادرهای عشایر خراسان شمالی و ساختن سیاه‌چادر و نیز در خانه‌های روستایی. پلاس در سایر نقاط ایران نیز بافته می‌شود ولی بافت "پیچ" آن منحصر به خراسان شمالی است.		رنگ‌های قرمز، مشکی، آبی، زرد، قهوه‌ای. طرح تداعی‌گر پویایی و حرکت. تداوم، تقارن.
فرش کردی	از محصولات عشایر خراسان شمالی. دار بافت زمینی. رنگ‌های عمدتاً گرم حاکی از عشق، زندگی و امید به آینده.		رنگ‌های قرمز، مشکی، سبز، نارنجی، زرد. تقارن. تکرار. محورهای جداکننده. تناسبات. نقش منیک (پروانه)
فرش و پشته ترکمن	هنر دست‌زنان ترکمن. در منطقه جرجان در شمال بجنورد و نیز شهرستان مانه‌وسملقان رواج دارد. پشته ترکمن بیشتر شبیه قالیچه است که در آن از چهار رنگ قزل، قره، طلایی و آق استفاده می‌شود.		رنگ‌های قرمز، مشکی و سفید نقش خارخارک: تمرکز، تداوم، تکرار.
فرش‌های ترکمن	طرح آن از لحاظ شکل هندسی و شکستگی خطوط ایلی، خاص مردم کوچ نشین است.		رنگ‌های قرمز، مشکی و سفید نقش ترماتیک، نقش چین غارچین تقارن، تمرکز، حاشیه جداکننده.

عناصر تاریخی و معماری

همچنین اشاره گردید که از جمله ابعاد مهم فرهنگ شامل «تاریخ» و «معماری» نیز هست که در اینجا به موارد مهم آن در نمونه موردی و ویژگی‌های آن به‌طور خلاصه اشاره شده است. گرچه توسعه‌های جدید تأثیر زیادی بر کالبد و عملکرد

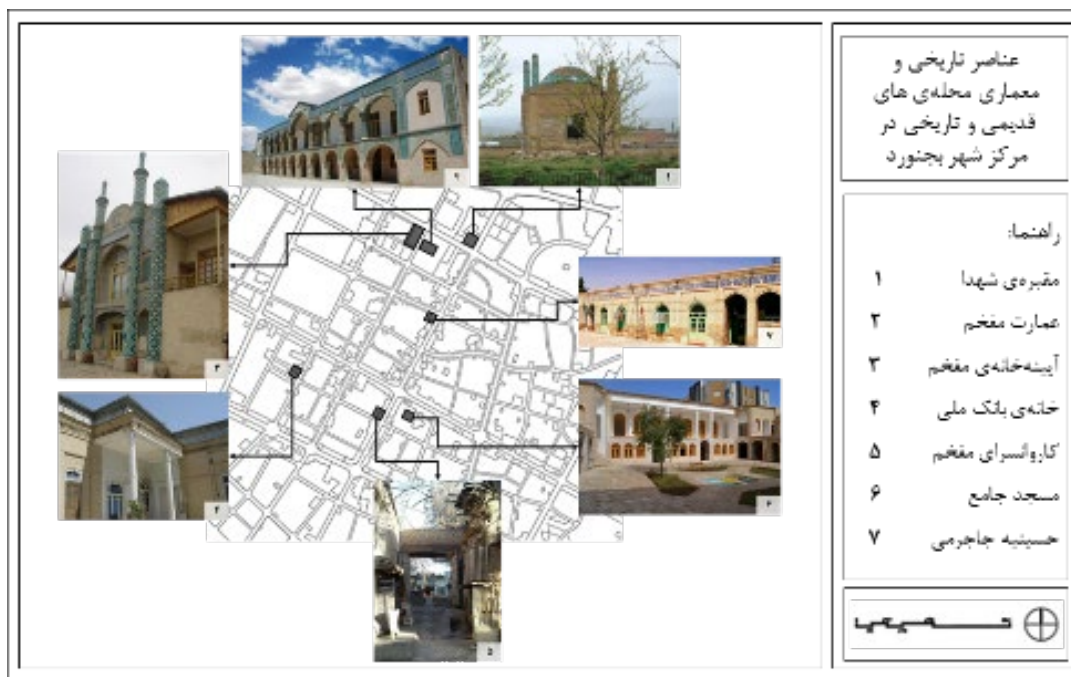
بافت تاریخی مرکز شهر با حدود ۱۰۰-۱۵۰ سال قدمت گذاشته اما برخی عناصر تاریخی همچنان حفظ شده‌اند. شکل ۸ موقعیت هریک از عناصر تاریخی و معماری محدوده قدیمی و تاریخی مرکز شهر بجنورد را نشان می‌دهد که در جدول ۵ به معرفی آن‌ها و ویژگی‌هایشان پرداخته شد.

جدول ۵. عناصر تاریخی و هویتی حوزه بلافضل (نگارندگان برگرفته از اطلاعات میراث فرهنگی استان خراسان شمالی)

تصویر	معرفی و بیان ویژگی‌ها	عنصر تاریخی/هویتی
	به‌جای مانده از دوره قاجار. ساخته‌شده در دهه ۱۳۰۰ هجری، به دستور یار محمدخان شادلو ^۸ ، به‌عنوان فضای اداری و دیوانی، برای انجام دیدارهای رسمی و مراسم تشریفات نظامی. همراه با بناهای دیگری از جمله عمارت مفخم، کلاه‌فرنگی، حوض‌خانه و سردر، در باغ بزرگی، مجموعه دارالحکومه‌ی مفخم را تشکیل می‌دهد. دوطبقه به ابعاد تقریبی ۱۱×۱۸ متر و به ارتفاع حدود ۱۰ متر. یکی از اتاق‌های طبقه فوقانی تالاری است که تمام دیوارها و سقف آن با طرح‌های زیبایی آینه‌کاری شده (دلیل نام‌گذاری بنا به آینه‌خانه). آزاره‌ی تالار از سنگ مرمر. نمای اصلی ساختمان به سمت شمال.	آینه‌خانه مفخم (موزه اسناد و نسخ خطی)
	مهم‌ترین اثر برجای‌مانده از عصر قاجار استان. ساخته‌شده در اوایل دهه ۱۳۰۰ هجری قمری به دستور سردار مفخم، به‌عنوان محل سکونت وی و خانواده‌اش. نمای اصلی ساختمان به سمت شمال. تزئینات نما با انواع فنون کاشی‌کاری و با طرح‌ها و نقوش انسانی، حیوانی، اسلیمی، ختایی و هندسی. مصالح آجر با ملات گچ. هر طبقه ساختمان دارای دو ایوان شمالی و جنوبی، سرتاسر بنا. نمای بیرونی ساختمان تصاویری از دو فرشته بالدار، چهره‌های انسانی، نقاشی از گل و گیاه و پرند، طبیعت و طرح‌های هندسی.	عمارت مفخم (موزه باستان‌شناسی و مردم‌شناسی)
	اواخر دوره قاجار. حیاط مرکزی. پلان مربع شکل. ضلع شرقی و غربی دوطبقه. مساحت حدود ۶۰۰ مترمربع. اتصال ورودی به حیاط مرکزی از طریق یک هشتی. تزئینات آجرکاری، گچ‌بری، مقرنس‌کاری و کتیبه. ابتدا مسکونی بوده، بعد از مدت‌ها وقف حسینیه شده سپس در اختیار اداره میراث فرهنگی قرار گرفته. هم‌اکنون موزه، بازارچه صنایع‌دستی و سفره‌خانه سنتی هست و در ایام محرم مراسم عزاداری در آن برگزار می‌گردد.	حسینیه جاجرمی
	از آثار معماری دوره پهلوی اول. در مرکز باغ. مدفن تعدادی از افسران رضاشاه در واقعه سرکوب شورش لهاک‌خان (۱۳۰۴). پلان مقبره: چهارضلعی گنبد دار با مناره‌های کوچک در گوشه‌ها. تزئینات بدنه آجرهای تراش‌دار. معماری الهام گرفته از قرون اولیه اسلام.	مقبره شهدای واقعه لهاک‌خان

۸ معروف به سردار مفخم، حاکم منطقه شمال خراسان. (سردار مفخم مقارن با دوران طولانی حکومت ناصرالدین‌شاه قاجار حاکم بجنورد، گنبد، گرگان، استرآباد، جاجرم و اسفراین بود).

تصویر	معرفی و بیان ویژگی‌ها	عنصر تاریخی/هویت‌ی
	خانه دوره پهلوی با تلفیق معماری سنتی و اروپایی. قوس کمانی درب و پنجره‌ها با قاب‌های کاشی‌کاری شده بالای آن‌ها. پلان، سقف شیروانی معروف به کلاه‌فرنگی، سرستون‌ها کورنتی و... از معماری اروپایی در سده‌های ۱۹-۱۸ میلادی اقتباس شده.	خانه بانک ملی
	ساخته شده در ۱۲۹۰ ه. ق به دستور سردار مفخم. ابعاد ۳۶×۲۶ متر ۱۳ حجره در طبقه همکف و ۱۵ اتاق در طبقه اول. درب و پنجره‌های چوبی قدیمی (متعلق به دوره قاجار)، دیوارهای قطور و گچ‌کاری‌های داخل حجره‌ها. مورد استفاده برای استراحت مهمانان و به‌عنوان قراول‌خانه و مکان تجارت. هم‌اکنون در حجره‌های طبقه همکف پالان‌دوزی، آهنگری و کفاشی توسط بازماندگان این هنرهای قدیمی، دایر است.	کاروانسرای سردار مفخم
	قدیمی‌ترین مسجد بجنورد. سه قرن قدمت. آخرین مرمت در ۱۳۲۰. بنای فعلی مسجد با بنای اولیه آن متفاوت است. ۳۰ متر طول و ۱۴.۶ متر عرض شبستان. سقف با ستون‌های چوبی در ارتفاع ۶ متری به‌وسیله چوب و تیرهای ارس. محراب با گچ‌بری و منبری چوبی. کتیبه‌های کاشی‌کاری شده به‌خط ثلث در ضلع جنوبی مسجد در قسمت خارج بنا. همچنان یکی از فعال‌ترین مساجد شهر و یکی از کانون‌های اصلی و قدیمی امور مذهبی مردم شهر.	مسجد جامع






شکل ۸. عناصر تاریخی و معماری محله‌های قدیمی و تاریخی در مرکز شهر بجنورد (نگارندگان)

و فضا می‌پردازیم. در جدول ۶ به برخی از موارد، به تفکیک ابعاد طراحی شهری اشاره گردیده و زمینه فرهنگی آن‌که اصول از آن استخراج گشته نیز در ستونی مقابل هریک، معرفی گردیده است.

اکنون پس از مطالعه اصول و انگاره‌های فرهنگی مؤثر بر کالبد و فضا که از اقوام مختلف در محله پای‌توپ بجنورد استخراج گردید و برخی از آن‌ها تحلیل شد، به‌طور مشخص به اثرگذاری برخی از این انگاره‌ها و اصول فرهنگی بر کالبد

جدول ۶. بررسی اصول و انگاره‌های فرهنگی تأثیرگذار بر کالبد و فضا در محله پای توپ بجنورد (نگارندگان)

زمینه فرهنگی	برخی اصول و انگاره‌های فرهنگی تأثیرگذار بر کالبد و فضا در محله پای توپ بجنورد	ابعاد طراحی شهری
	<p>الگوی توده و فضای عمارت مفخم و محل قرارگیری و جهت‌گیری کوشک نسبت به فضا.</p>	<p>کاربری و فعالیت</p>
	<p>الگوی کالبد و فضای ورزش‌های بومی، باستانی، زورخانه‌ای، گود کشتی‌های چوخه و آلیش و سایر ورزش‌های محلی.</p>	
	<p>الگوهای خرد فضاها پیر نشین در نقاط مختلف محله پای توپ از جمله سبزه میدان.</p>	<p>اجتماعی و فرهنگی</p>
	<p>سازمان فضایی و پیوندهای ساختاری و کالبدی میان عناصر هویتی، فرهنگی، تاریخی، حکومتی و خدماتی برجای مانده مانند عمارت مفخم، خانه سردار مفخم، سبزه میدان، کاروانسرای مفخم، مسجد جامع و ...</p>	
	<p>الگوی توده فضای خانه‌های قدیمی محله پای توپ (شیروانی پوش‌ها، اعیان نشین‌ها، ترکی سازها)</p>	<p>فضایی و کالبدی</p>

ابعاد طراحی شهری	برخی اصول و انگاره‌های فرهنگی تأثیرگذار بر کالبد و فضا در محله پای توپ بجنورد	زمینه فرهنگی
	الگوی توده و فضای ساختمان‌های عمومی محله همچون کاروانسرای قدیمی مفخم.	
	الگوی همسایگی توده و فضای مسکونی (بلوک‌ها) محله پای توپ.	
منظر شهری	رنگ‌های پرکاربرد، نقوش و طرح‌های البسه و سایر دستباف‌های بومی محله.	

شناخت کافی از ابعاد فرهنگی قومیت موردنظر که در بخش "بحث" همین پژوهش به صورت نمودار معرفی گردید، در هریک از این ابعاد مطالعه و جست‌وجو شدند.

اکنون در جدول ۷ به برخی اصول فرهنگی تأثیرگذار بر کالبد و فضا در طراحی محله، در هریک از ابعاد طراحی شهری اشاره می‌شود. این اصول می‌بایست پس از کسب

جدول ۷. معرفی برخی اصول و انگاره‌های فرهنگی تأثیرگذار بر کالبد و فضا در طراحی شهری محله (نگارندگان)

ابعاد طراحی شهری	برخی اصول و انگاره‌های فرهنگی تأثیرگذار بر کالبد و فضا در طراحی شهری محله
کاربری و فعالیت	تبعیت از الگوی قرارگیری و جهت‌گیری توده و فضا در طراحی فضاهای شهر و محله.
	طراحی فضای انعطاف‌پذیر به منظور وقوع رویدادهای فرهنگی و تمهید آن مطابق با شیوه برگزاری رویداد. توجه به الگوی فرهنگی در هر برنامه عملکردی و کاربری‌ها (همچون الگوهای گذران اوقات فراغت، ارتباطات اجتماعی، عزاداری و ...)
اجتماعی و فرهنگی	توجه به الگوهای خرد فضاهای موجود در مراکز کوی و محله همچنین درب منازل قدیمی در هنگام طراحی محله.
	در نظر گرفتن سنت‌ها و رویدادهای قومی-محله‌ای و فضای موردنیاز آن در طراحی فضاهای شهری محله.
فضایی و کالبدی	در نظر گرفتن عناصر فرهنگی، هویتی و تاریخی و محل قرارگیری آن‌ها در پیوند کالبدی و فضایی محله و شهر.
	توجه به الگوی توده و فضای خانه‌های قدیمی در شکل‌دهی به الگوی توده فضای مراکز کوی.
	توجه به الگوی توده و فضای بناهای عمومی و خدماتی قدیمی و بومی در طراحی الگوی توده و فضای ساختمان‌های عمومی.
	توجه به شیوه معماری و الگوی همسایگی توده و فضای مسکونی (بلوک‌ها) زمینه در طراحی‌ها و برنامه‌های جدید محله.

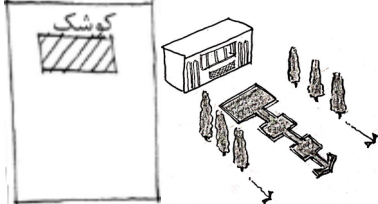

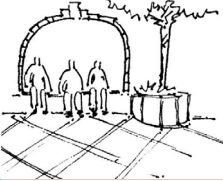
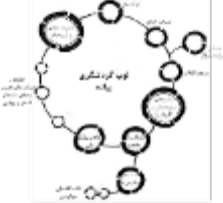
توجه به سنت‌های ساخت‌وساز بومی، با کمک مردم و اتخاذ فرهنگ ساخت‌وساز بومی.	
کوشش در خلق محیط فرهنگی با رجوع به آن‌ها و ارتباط بی‌واسطه با آن‌ها.	
استفاده از نقوش و طرح‌های البسه و سایر دستباف‌های بومی منطقه در نقاشی‌های دیواری، جداره سازی و کف‌سازی پیاده‌روهای محله. همچنین استفاده از رنگ‌های پرکاربرد در البسه و دستباف‌های محلی در جداره، کف، مبلمان و تجهیزات فضا و ...	منظر شهری

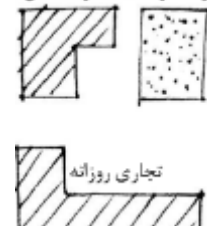
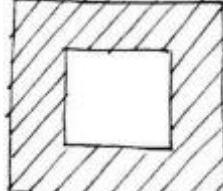
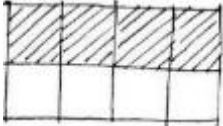

نتیجه‌گیری

چگونگی مطالعه فرهنگ و نحوه استخراج سرنخ‌های اثرگذار بر ابعاد کالبدی و فضایی می‌افزاید. این پژوهش نیز با کنکاش در مفاهیم فرهنگ و مطالعه ابعاد آن، سعی در یافتن انگاره‌های فرهنگی داشته که بر شکل‌دهی به کالبد و فضا تأثیر مهمی دارند. به دنبال آگاهی از مفاهیم فرهنگی و شناختن ابعاد، زمینه‌ها و انگاره‌های آن، اصول فرهنگی قابل استخراج از اقوام مختلف که بر شکل‌دهی به طراحی شهری مؤثرند ارائه شد و نمونه‌هایی از آن در محله پای‌توپ شهر بجنورد به‌عنوان جامعه‌ای چند فرهنگی معرفی شد.

پیشنهاد‌های پژوهش حاضر با محوریت فرهنگ در طراحی شهری در نمونه مورد مطالعه، به تفکیک هر یک از ابعاد طراحی شهری عبارت‌اند از:

فرهنگ به‌عنوان عامل مهمی در شکل‌دهی به کالبد و فضا از دیرباز به‌طور ناخودآگاه در توسعه‌های بطنی سکونتگاه‌ها بسیار تأثیرگذار بوده غفلت از آن در سال‌های اخیر در مداخلات صورت گرفته در شهرها، جامعه را با مسائل و مشکلات بسیاری مواجه کرده است. از طرفی به‌دلیل وجود ابهامات در تعریف مفهوم فرهنگ و شناسایی اصول و انگاره‌های آن، به‌کار بستن آن در مداخلات کالبدی و فضایی امری دشوار و پیچیده است. همچنین به‌دلیل گوناگونی فرهنگ در جوامع مختلف و منحصر به فرد بودن آن در هر مکان، نمی‌توان الگویی را به‌عنوان دستورالعمل نهایی برای نقاط مختلف ارائه داد و هر فرهنگ، کالبد و فضای خاص خود را می‌طلبد. لذا این موضوع بر اهمیت

ابعاد طراحی شهری	اصول و انگاره‌های فرهنگی تأثیرگذار بر کالبد و فضای محله و کاربست آن در طراحی محله پای‌توپ بجنورد	کروکی
کاربری و فعالیت	تبعیت از الگوی باغ ایرانی برگرفته از الگوی باغ عمارت مفخم برای طراحی پارک محله.	
اجتماعی و فرهنگی	طراحی فضای ورزشی محله با الگوبرداری از کالبد و فضای ورزش‌های باستانی، زورخانه‌ای، کشتی‌های چوخه و آلیش و سایر ورزش‌های بومی.	
فضایی و کالبدی	توجه به‌الگوهای خرد فضاهای پیر نشین در مراکز کوی همچنین درب منازل قدیمی در هنگام طراحی.	
	در نظر گرفتن عناصر هویتی، فرهنگی و تاریخی و محل قرارگیری آن‌ها در پیوند کالبدی و فضایی محله و شهر و ایجاد لوپ پیاده با پیوند دادن عمارت مفخم، خانه سردار مفخم، کاروانسرای سردار، حمام‌های تاریخی ریحانی، عسگری، سبزه‌میدان و ... در محدوده محله و بلافاصل آن.	

کروکی	اصول و انگاره‌های فرهنگی تأثیرگذار بر کالبد و فضای محله و کاربری آن در طراحی محله پای توپ بجنورد	ابعاد طراحی شهری
<p>پارک کودک کوردکستان</p>  <p>تجاری روزانه</p>	<p>الگوی توده فضای مراکز کوی برگرفته از الگوی توده و فضای خانه‌های قدیمی بجنورد (شیروانی پوش‌ها)</p>	
	<p>الگوی توده و فضای ساختمان‌های عمومی به صورت حیاط مرکزی برگرفته از الگوی کاروانسرای قدیمی محله</p>	
 <p>راستای کشیدگی بلوک: شرقی-غربی راستای دانه‌ها: شمالی-جنوبی کیفیت توده گذاری: توده ۱ الی ۲ طبقه کم تراکم</p>	<p>الگوی همسایگی توده و فضای مسکونی (بلوک‌ها) به صورت ردیفی پیوسته برگرفته از نحوه ارتباط با اقلیم بومی</p>	
	<p>استفاده از نقوش و طرح‌های البسه و سایر دستباف‌های بومی منطقه در نقاشی‌های دیواری، جداره سازی و کف‌سازی پیاده‌روهای محله. همچنین استفاده از رنگ‌های پرکاربرد قرمز، سفید، مشکی، سبز، آبی، زرد، طلایی، قهوه‌ای، نارنجی در البسه و دستباف‌های محلی و به طور کلی در فرهنگ بومی در جداره، کف، مبلمان و تجهیزات فضا و ... استفاده از نقوش هندسی راست گوشه، نقوش مرکزگرا، تناسبات نقوش و همچنین توجه به اصولی همچون تقارن مرکزی، تمرکز، تکرار، محورهای جداکننده، تداوم، توازن در عین عدم تقارن، تقارن محوری، پویایی، خطوط افقی، ریتم در طراحی و منظرسازی.</p>	<p>منظر شهری</p>

سیاسگزاری

این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد با عنوان «طراحی شهری محله پای توپ با رویکرد بازآفرینی فرهنگ-مبنا» هست که براهنمایی دکتر اصغر مولائی در دانشگاه هنر اسلامی تبریز انجام گرفته است.

منابع مالی

منابع مالی این مطالعه توسط نویسندگان تهیه شده است.

تعارض منافع

بین نویسندگان هیچ‌گونه تعارضی در منافع وجود ندارد.

References

Alikhah, F., Pourjafari, M. (2013). Some Reflection on the Youth Subculture: A Study of the Subculture of Exhibitionist Car Driving., *Strategy of Culture*. 5(20), 155-175. [in Persian]

Ashouri, Darius. (1978). *Definitions and Concept of Culture*. Tehran: Ramin. [in Persian]

- Bocock, Robert. (2007). *Cultural Formations of Modern Society*. Translated by Mehran Mohajer. Tehran: Agah Publications. [in Persian]
- Alexander, E. (1973). *Matthew Arnold, John Ruskin, and the modern temper*. Ohio State University Press.
- Feyzi, Mohsen, & EsmacilDokht, Maryam (2015). Genealogy Analytical Technology for Identification of New Construction Buildings Architecture with Field-oriented Approach. *Urban Management*. 14(38), 173-195. [in Persian]
- Habib, Fereshteh (2009). The interaction between culture and urban Physical; Case Study: EsfahanSafavid, *Hoviatshahr* 3(4), 83-94. [in Persian]
- Khosropanah A. (2017). *What is subculture and anti-culture*. (Report No: 3642853). Retrieved from International Quran News Agency website: <http://iqna.ir/fa/news/3642853> .
- Jaferi A, Mahdavi pour H. (2013). The Role of Vernacular Technologies in the Quality of Residential Spaces. *Journal of Housing and Rural Environment*. 32 (141) :51-68. [in Persian]
- Karimi, Ali. (2008). *Political Management in Multicultural Societies*. Tehran: Islamic Azad Research Center. [in Persian]
- Kazempour, Dariush D., & Soleimani, Mohsen. (2012). Study of handwoven motifs of North Khorasan and their use in sign design. *Journal of Iranian Carpet Science Association*. 21. , 45-64. [in Persian]
- Khakpour, Mojgan, & Sheikh Mehdi, Ali. (2011). The Role of Culture and the Effect of Social Transformations on Rural Housed in Guilan. *Urban Management*. 9(27), 229-245. [in Persian]
- Lotfi, S. (2011). Culture-led Regeneration: A Reflection upon Cultural Fundaments and the Act of Regeneration. *Honar-Ha-Ye-Ziba: Memary Va ShahrSazi*, 3(45), 49-62. [in Persian]
- Montgomery, J. (1990). Cities and the Art of Cultural Planning. *Planning Practice and Research*, 5(3), 17-24.
- Mortezaie, Mohammad. (2007). Studying Natural and Cultural Infrastructure in the Formation of Gorgan (Jorjan) in the Islamic Era with a Case Study: Exploring the Islamic Area of Gorgan (Jorjan). *Athar*, 42 & 43. , 146-130. [in Persian]
- Naderian, Zahra. (2016). The socio-cultural reproduction of urban spaces with the aim of promoting neighborhood identity (Case study: Stone Lion Neighborhood, Hamedan City). *Haft Hesar. Journal of Environmental Studies*. 5 (19): 87-96. [in Persian]
- Naghsh Jahan Pars Consulting Engineers. (2010). *Bojnourd master plan*. Bojnourd: General Department of Roads and Urban Development of North Khorasan Province. [in Persian]
- Navabakhsh, M., Sabeti, M. (2016). Design and Providing a Model to Assess the Effects of Cultural Capital on Aspects of Sustainable Urban Development with an Emphasis on Clean Energy. *Journal of Iranian Social Development Studies*, 8(1), 37-50. [in Persian]
- Nussbaumer, J., & Moulart, F. (2004). Integrated area development and social innovation in European cities: A cultural focus. *City*, 8(2), 249-257.
- Pourjafar, M., Rafiean, M., Arbabzadegan Hashemi, S. (2016). Disquisition of Kurdish Cultural Postulates for Optimal Design of Urban Spaces. *Armanshahr Architecture & Urban Development*, 8(15), 181-193. [in Persian]
- Poordeihimi, S. (2011). Culture and Settlement. *Housing and Rural Environment* 134, 3-18, [in Persian]
- Rapoport, A. (1977). *Human Aspects of Urban Form: Towards man-environment approach to urban form and design*. Oxford: Pergamon Press.
- Safdari, S., Pourjafar, M., Ranjbar, E. (2014). Culture led regeneration, grounds of promoting cultural interactions (Case Study: the historical context of Mashhad). *HAFTSHAHR*, 4(47, 48), 25-39. [in Persian]
- Scheffers, Bernhard B. (2004). *Fundamentals of Youth Sociology*. Translated by Karamatollah Rasekh. Tehran: NashreNey. [in Persian]
- Smith, Philip Daniel. (1964). *An Introduction to Cultural Theory*. Translated by Hasan Pouyan. Tehran: Cultural Research Office. [in Persian]
- Tavassoli, Mahmood. (2000). City: Center of Culture. *Honar-ha-ye Ziba*. 7, 34-36. [in Persian]
- Tylor, E. B. (1924). *Primitive Culture*. (7th ed.). London: Brentano's.
- Zaali N, Zareie M, Ebizadeh S, Hashemzadeh Ghalehjogh F. (2016). Strategic Planning for the Organizing of Urban Old Textures (Case Study: Shahidgah-Sheikh Safi Neighborhood in Ardabil City). *Journam of Urban Economics and Management*. 4 (14) :39-62. [in Persian]